



د ف ح

دَقَّقْتُمْ لَمَّا فَطَّمْتُمْ إِلَيْهِمْ أَلْرَبَّاهُمْ فَأَلْمَدُوا ٦ ٧٧ هـ ٤
 عَلَّمْتُمْ وَآمَنَ بِاللَّهِ عَسَاءً.....

أَلْفَحُّ ٢١
 أَلْفَحُّ بِمَنْ يَأْتِيهِ مِنَ أَسْفَلِ السَّمَاءِ نَزْحٌ ٩٦ ٩٦٨ هـ ٢٣
 أَلْفَحُّ بِاللَّهِ مِنْ أَسْفَلِ نَزْحًا لَدَى اللَّهِ ٢٤ ٥٨٠ هـ ٤١
 يَتَلَقَّ رِجْلَهُ مَخْرُوجًا لَأَنَّهُ لَاقَى حَبِيبَهُ.....

أَلْفَحُوا ٢
 وَ قِيلَ لِمَ لَمْ يَأْتُوا قَالُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَوْ أَلْفَحُوا.....

أَلْفَحُوا لَمَّا أَلْسِنْتُمْ لَهُمْ بَلَدًا فَأَلْفَحُوا ٦ ٧٧ هـ ٤
 أَلْفَحُوا أَلْفَحُوا.....

يَتَلَقَّ ٢٢
 إِذْ قَالَ يَدْعُوهُ مِنَ الَّذِينَ نَزَحُوا.....

دَفَعُ ٤
 وَ لَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ ٤٥١ ٤٤١ هـ ٤
 يَنْفَعُ نَفْسًا آتَتْكَ.....

دَفَعُ ٢٢
 وَ لَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ ٤٠ ٢٢٧ هـ ٢٢
 يَنْفَعُ الْهَدْمَ مَرْغَبٌ وَ يَنْفَعُ.....

دَفَعُ ٥٢
 إِذْ حَفَّتْ جَنَابُ الرَّبِّ وَ جَاءَ سَبْرٌ ٨ ٥٢٢ هـ ٥٢
 دَفَعُ.....

دَفَعُ ٧٠
 سَأَلَ سَائِلٌ بِهَذَا وَجْهِ الْمَلَائِكِينَ ٢ ٥٦٨ هـ ٧٠
 قَسْرٌ أَوْ دَفَعٌ.....

ویرایش جدید از المعجم المفهرس

محمدجعفرصدری

بدون تردید قرآن، یکی از معدود کتاب‌هایی است که در میان مردم و به ویژه مسلمانان جهان، بیش‌ترین مراجعه‌کننده را دارد. با توجه به حجم نسبتاً زیاد قرآن کریم و فراوانی آیات آن، امروزه کم‌تر کسی است که در ضرورت وجود یک معجم الفاظ برای این کتاب آسمانی احساس تردید کند؛ معجمی که بتواند مراجعه‌کننده را دست‌کم در دست‌یابی به آیه مورد نظر خویش یاری رساند.

یکی از کتاب‌های ارزشمندی که در این راستا فراهم آمده است «المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم» اثر دانشمند مصری، مرحوم محمد فؤاد عبدالباقی (۱۲۹۹ - ۱۳۸۸ هـ. ق) است. این کتاب به‌طور قطع یکی از مهم‌ترین و کارآمدترین کتاب‌هایی است که در این زمینه نگاشته شده و در سراسر جهان اسلام قبول عام یافته و همه قرآن‌پژوهان را در کارهای قرآن‌پژوهی شان یاری رسانده و می‌رساند؛ سعی او مشکور باد.

عبدالباقی در فراهم آوردن معجم خویش (مقدمه کتاب ص ۵) خود را وام‌دار کتاب واژه‌یاب «نجوم الفرقان فی أطراف القرآن» (چاپ ۱۸۴۲ م) اثر مستشرق معروف آلمانی، گوستاو فلوگل می‌داند.



سبک بدیع، دقت و اتقان نسبی کار، قابل تحسین بسیار است؛ به ویژه آن که وی این کار را به صورت دستی انجام داده که مستلزم صرف حوصله بسیار است.

المعجم المفهرس، نخستین بار در سال ۱۳۶۴ ق/ ۱۹۴۵ م، در مصر و توسط دارالکتب المصریة به چاپ رسیده و پس از آن به همان صورت اولیه اش، در مصر و برخی دیگر از کشورهای اسلامی مانند: لبنان، سوریه، ترکیه و ایران و بعضاً با تغییرات اندکی (مانند افزودن متن عربی قرآن) به صورت افست، تجدید چاپ شده است.

چاپ‌های مختلف این کتاب که هم اکنون در دسترس است، (به ویژه چاپ‌های داخلی) نوعاً از کیفیت مطلوبی برخوردار نیست و در برخی از آن‌ها ریختگی‌ها و کم‌رنگی‌های فراوانی به چشم می‌خورد، به گونه‌ای که گاه استفاده از بخش‌هایی از آن را دشوار و یا غیر ممکن می‌سازد.

معجم عبدالباقی علی‌رغم امتیازات فراوانی که دارد و در ظرف زمانی خود، کاری بس ارزشمند و درخور تحسین بوده است، ولی نقاط ضعف و کاستی‌هایی نیز دارد که برقرآن‌پژوهان پوشیده نیست. امروزه با توجه به پیشرفت ابزارها و امکانات معجم‌نگاری و نیز تجربه‌های فراوانی که در این حوزه صورت گرفته و حاصل آن هم اکنون در معرض دید و داوری همگان قرار دارد، نباید هم چنان به حاصل کار گذشتگان بسنده کرد و پیوسته بر سر سفره حاضر و آماده آنان نشست، بلکه لازم است در پرتو نقد و بررسی کارهای پیشینیان و مشخص ساختن نقاط قوت و ضعف آن‌ها و نیز با به کارگیری ابزارها و امکانات جدید، گامی به جلو نهاد و اثر نوی پدید آورد که افزون بر پیراسته بودن از ضعف‌ها و کاستی‌های بعضاً طبیعی پیشینیان و برخورداری از نقاط قوت و جهات مثبت آن‌ها، حتی الامکان کار اطلاع‌رسانی در این زمینه را آسان‌تر سازد و بدان سرعت بخشد.

معجم عبدالباقی در دو ستون اصلی و شش ستون فرعی تنظیم شده که هریک اطلاعات خاصی را به شرح زیر در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد: ۱. مدخل و یا واژه قرآن. ۲. بافت و سیاق آیه‌ای که واژه قرآنی مورد نظر در آن به کار رفته است. ۳. شماره آیه. ۴. بیان مکی و یا مدنی بودن آیه. ۵. نام سوره. ۶. شماره سوره.

نقد و بررسی المعجم المفهرس

در این مقال، ابتدا نگاهی کوتاه خواهیم داشت به برخی از ضعف‌ها و کاستی‌های المعجم المفهرس و پس از آن، معرفی یکی از کارهای جدیدی که در این زمینه در دست



تهیه است و به زودی منتشر و در اختیار علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.
پیشاپیش توجه خوانندگان گرامی را به یک نکته جلب می‌کنیم و آن این که در این نوشتار در صدد استقصای همه موارد کاستی‌های المعجم المفهرس نیستیم، بلکه مقصود در این جا، نشان دادن نوع کاستی‌ها و اشاره به نمونه‌هایی از آن است. این کاستی‌ها عمدتاً متوجه ستون اول و دوم؛ یعنی مدخل و واژه قرآنی و مقدار آیه‌ای است که کلمه مورد نظر در آن به کار رفته است که به تفکیک به آن‌ها اشاره می‌شود:

الف: مدخل و واژه قرآنی

ضعف‌ها و کاستی‌های این محور را می‌توان در چند قسمت فرعی دسته‌بندی کرد:

۱. مدخل‌های از قلم افتاده

عبدالباقی در این کتاب در صدد بوده است همه فعل‌ها و اسم‌ها را استقصا کند، ولی برخی از مدخل‌ها را از قلم انداخته است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:
واژه **الذی** (با ۳۰۴ مورد کاربرد)، **الذین** (با ۱۰۸۰ مورد کاربرد)، **هَذَا** (با ۲۲۵ مورد کاربرد) ۱، **مَنْ** و **مَنْ ذَا**.

علاوه براین، در مواردی نیز از مجموع کاربرد یک کلمه، یک یا دو مورد از قلم افتاده است. البته این موارد غیر از آن پانزده موردی است که خود مؤلف در ابتدای کتاب استدراک کرده است (ص ح). برخی از این موارد عبارتند از:

الله: فاتحه / ۱؛ عند: بیته / ۸؛ مع: مائده / ۸۴؛ انفال / ۱۹ و ۴۶؛ بعثناهم: کهف / ۱۲ و ۱۹؛ وَنَقَّصْنَاهُمْ: نساء / ۱۶۴.

در دو مورد اخیر، هرچند مدخل بعثناهم و نقصصهم به صورت جداگانه نیامده است، ولی هر دو آیه اشتباهاً در ذیل مدخل بعثناکم و نقصص آمده است.

۲. غلط‌های املائی

در معجم عبدالباقی، مدخل‌ها برخلاف مقدار آیه ذکر شده، دارای اعراب‌اند؛ از این رو، برخی از کلمات به غلط اعراب‌گذاری شده‌اند، مانند: **إِئْتِ**، **إِئْتِنَا**، **إِئْتُوا**، **إِئْتُونَا** و... که همزه آن‌ها به صورت همزه قطع نگاشته شده، در حالی که همزه آن‌ها وصل است و باید به صورت **اِئْتِ** و... نگاشته می‌شد؛ **ضُرَّ** که درست آن **ضُرُّ** است؛ **أَزْوَاجِك** و **فَأْتِبْتُوا** که صحیح آن‌ها به ترتیب، **أَزْوَاجِكَ** و **فَأْتِبْتُوا** است.



۳. ریشه کلمات

در معجم عبدالباقی، به طور مستقل به ذکر ریشه کلمات پرداخته نشده است، بلکه در سرصفحه کتاب، ریشه اولین و آخرین مدخلی که در آن صفحه آمده ذکر شده است؛ از این رو، به ریشه کلمات که بین اولین و آخرین مدخل قرار گرفته اند هیچ اشاره ای نشده است، به طوری که از مجموع ۱۷۷۱ ماده قرآنی، تنها به ریشه ۴۹۱ مورد در سرصفحات اشاره شده است. ۳

علاوه بر این، هرچند در بیش تر صفحات، مجموعه مشتقات یک ریشه با علامتی شبیه سه ستاره از ریشه های قبل و بعد تفکیک شده، ولی این شیوه در همه جا نیز اعمال نشده است؛ برای نمونه ر. ک. به: ص ۱۱۸ که به ترتیب، ریشه های «ب ر ز»، «ب ر ز خ»، «ب ر ق»، «ب ر ک»، «ب ر م»، «ب ر ه ن»، «ب ز غ» و «ب س ر» در آن به کار رفته، ولی از هم تفکیک نشده است.

از نارسایی های دیگر معجم، بازگرداندن بسیاری از کلمات به یک ریشه سه حرفی است که این امر، هم مستلزم تکلف است و هم در مواردی غلط انداز؛ مثلاً واژه های «اللآئی»، «اللآئی»، «الذآن» و «الذین» را در ریشه ی «أل ل» آورده که بسیار غریب و بعید به نظر می آید؛ به ویژه آن که با «ال» اول این کلمات مانند «ال» تعریف معامله می شود و در هنگام وصل به کلمه قبل همزه آن تلفظ نمی شود، آن وقت چگونه می توان آن را جزء ریشه کلمه به حساب آورد و آن را از ریشه «أل ل» دانست؟

۴. ذکر برخی از حروف و ضمائر

عبدالباقی هرچند در مقدمه معجم تصریح نکرده است که حوزه کارش محدود به اسم و فعل است، ولی این مطلب به خوبی از مقدمه و متن کتاب برمی آید که وی نظری به حروف نداشته است؛ چرا که از میان انبوهی از حروف، تنها به چند مورد بیشتر اشاره نکرده است، مانند: «بلی»، «سوف» و «ها» در هَا أَنتُمْ وَهَذَا. این در حالی است که «بلی» حرف جواب و «ها» حرف تنبیه و «سوف» حرف استقبال است. ۴ ضمائر اعم از ضمائر متصل و منفصل نیز هرچند از اقسام اسم اند، ولی مورد نظر وی نبوده است و اگر به چند مورد مثل: إِيَّاكَ، إِيَّاكُمْ، إِيَّانَا، إِيَّاهُ... اشاره شده، این امر ناشی از غفلت بوده است.

ب. مقدار آیه ذکر شده

علی رغم دقتی که مرحوم عبدالباقی در گزینش آیات و انتخاب مقدار لازم از هر آیه به

کار برده است، در پاره‌ای از موارد، ضعف‌هایی به چشم می‌خورد که توجه به آن می‌تواند مفید باشد. برخی از این موارد عبارتند از:

۱. کامل نبودن معنای آن مقدار از کلمات آیه که آورده شده است؛ به این دو نمونه توجه کنید:

الْآخِرِ: وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ [بقره، ۸/۲].
 الْآخِرِ: وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَن يُوْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يَنْفِقُ [قربان عند الله]، (توبه، ۹۹/۹).

همان‌گونه که مشاهده می‌شود معنای آن مقدار از آیه که عبدالباقی آورده، ناقص است و جز با کلماتی که در داخل گروه آمده کامل نمی‌شود؛ و اگر در هر دو آیه، تا ذکر کلمه «الْآخِرِ» بسنده می‌کرد، بهتر از این بود که آیه را به طور ناقص بیاورد.

۲. ناهماهنگی در مقدار آوردن آیه در موارد مشابه؛ به این دو دسته از آیات توجه کنید:

الْآخِرِينَ: ثُمَّ دَمَرْنَا الْآخِرِينَ* [وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا]، (شعراء، ۱۷۲/۲۶-۱۷۳).
 الْآخِرِينَ: ثُمَّ دَمَرْنَا الْآخِرِينَ* [وَأَنْكَمْ لَتَمُوتُنَّ عَلَيْهِمْ مُصْبِحِينَ]، (صافات، ۱۳۶/۳۷-۱۳۷).
 أُخْرَى: وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى، (انعام، ۱۶۴/۶).
 أُخْرَى: وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى، (اسراء، ۱۵/۱۷).
 أُخْرَى: وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى وَإِن تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ حِمْلِهَا [لَا يَحْمِلُ مِنْهُ شَيْءًا]، (فاطر، ۱۸/۳۵).

در آیات دسته دوم مقداری از کلمات قبل و یا بعد عبارت و لا تزر وازرة وزر اخري آورده شده است و شاید این بدان جهت بوده که با جدا کردن آیات مشابه از یکدیگر، بین آن‌ها تمایزی ایجاد کند و مراجعه‌کننده را زودتر به مقصد برساند، ولی بهتر بود یک شیوه واحدی را برمی‌گزید و آن را در همه موارد مشابه به کار می‌بست. یعنی در مورد آیات دسته اول، مقدار داخل گروه را هم می‌آورد و یا در مورد دسته دوم از ذکر مقدار اضافی پرهیز می‌کرد (به ناقص بودن معنای آیه سوم نیز دقت شود).

۳. عدم توجه به معنا در گزینش مقدار آیه؛ در نمونه زیر دقت کنید:

الْآخِرِ: [إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ] مَن آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ [عند ربهم]، (بقره، ۶۲).

در این آیه، ظاهراً جمله مَن آمَنَ بِاللَّهِ... خبر این در صدر آیه است و جمله فلهم اجرهم... عطف به جمله پیشین است. با گزینشی که مرحوم عبدالباقی ارائه کرده، علاوه بر ناقص



بودن معنای جمله، چنین به ذهن متبادر می شود که موصول و صله در **مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ...** مبتدا و جمله **فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ...** خبر آن است و این برداشت قطعاً نادرست است. بنابراین، به نظر می رسد اگر به یکی از دو صورت زیر گزینش می شد بهتر بود:

۱. **إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا... مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ.**

۲. **مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحاً (به صورت ناقص).**

براین اساس، در گزینه اول جمله اُسمیه کامل است، ولی در گزینه دوم، هرچند جمله ناقص است، ولی غلط انداز نیست.

۳. و یا در ارتباط با مدخل «دُون» در آیه زیر:

دُون: احشروا الذین ظلموا وأزواجهم وما كانوا یعبدون* من دون الله فاهدوهم الی صراط الجحیم، (صافات، ۲۲/۳۷-۲۳). در صورتی که اگر به جای ذیل آیه ۲۳، تمام و یا قسمتی از آیه ۲۲ می آمد، بسیار بهتر می بود.

۴. آوردن بیش از مقدار لازم از کلمات آیه؛ در این جا تنها به ذکر یک نمونه بسنده می شود: در ذیل مدخل «اختلاف» تمام ۵ سطر (رسم الخط عثمان طه و ۶ سطر معجم) آورده شده است؛ در صورتی که می توانست با استفاده از نقطه چین، هم رعایت کامل بودن معنی آیه را کرده باشد و هم به ذکر مقداری از آن به شکل زیر اکتفا کند: **اختلاف: إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاختِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ... لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ، (بقره/۱۶۴).**

البته این تطویل از موارد نادر معجم است، ولی این پدیده - هرچند نه به این بزرگی - در بسیاری از آیات معجم دیده می شود.

ویژگی های ویرایش جدید از المعجم المفهرس

در ویرایش جدید المعجم المفهرس، در صدد بوده ایم در پرتو الطاف الهی و راه نمایی ها و مساعدت های استادان ارجمند و قرآن پژوهان گرامی و با توجه به آنچه گذشت، ساختار معجم را حتی الامکان به گونه ای طراحی کنیم که بتواند هر دو هدفی را که در زیر خواهد آمد، تأمین کند و محققان و علاقه مندان به قرآن را در هر سطحی از دانش عربی که باشند، در حد امکان یاری رساند. این دو هدف عبارتند از:

۱. تسهیل و تسریع در جست و جوی لغوی و به اصطلاح «واژه یابی».

۲. کمک رسانی در امر جست و جوی معنایی و به اصطلاح «موضوعی».



به همین منظور، معجم مذکور در دو جلد طراحی شده است: یک جلد به فعل‌ها و اسم‌های قرآنی و جلد دیگر به ادوات و ضمائر اختصاص داده شده است؛ هم‌چنان که معجم اسما و افعال خود نیز در دو ویرایش و دو روایت جداگانه تنظیم خواهد شد که هر یک مخاطبان خاص خود را دارد:

۱. ویرایش و روایتی که در آن، کلمات براساس ماده و ریشه‌ی آن‌ها تنظیم شده‌اند، شبیه به کار اصلی عبدالباقی.

۲. ویرایش و روایتی که در آن کلمات براساس حروف الفبا مرتب شده‌اند. آن‌چه در این نوشتار گفته می‌شود، هرچند در بسیاری جهات، مشترک بین هر سه معجم است، ولی بیش‌تر ناظر به ویرایش نوع اول است.

ساختار کلی معجم

این معجم همانند معجم عبدالباقی، دارای دو ستون اصلی و هرستون خود دارای شش ستون فرعی اطلاعاتی است. در ۶۰۴ صفحه نخستین کتاب، متن عربی قرآن کریم به خط زیبای عثمان طه تعبیه شده، به گونه‌ای که کم‌تر از ۴ صفحه از قطع وزیری، به متن عربی و بقیه آن به متن معجم اختصاص یافته است.

در قسمت راست و چپ، به ترتیب، اولین و آخرین مدخل هرصفحه و در قسمت میانی، ریشه آن‌ها به همراه شماره صفحه کتاب آمده است. هر یک از ستون‌های شش‌گانه همانند معجم عبدالباقی، اطلاعات خاصی را در اختیار مراجعه‌کننده قرار می‌دهد، با این تفاوت که به جای ستون تعیین مکئی و مدنی آیه، شماره صفحه قرآن عثمان طه که آیه مورد نظر در آن به کار رفته جای داده شده و با قلم سیاه مشخص شده است. البته تعیین این که کدام آیه مکئی و کدام آیه مدنی است، به یکی از جدول‌های ضمیمه در پایان معجم موکول شده است. در این جا، به برخی از ویژگی‌هایی که در این ویرایش مدنظر بوده عمدتاً در ارتباط با ستون اول (مدخل) و ستون دوم (آیه) است اشاره می‌کنیم:

الف. ویژگی‌های ستون مدخل

مهم‌ترین ویژگی‌های ستون مدخل از این قرار است:

۱. بدون پیشوند؛ حروف منفصلی نظیر همزه استفهام «أ»، «و»، «لا» و «لم» که قبل از برخی از کلمات آمده و نیز حروف متصلی که برسر برخی از اسم‌ها و یا فعل‌ها درمی‌آیند، از اول کلمات مدخل‌ها حذف شده است. این حروف عمدتاً عبارتند از:



«ب»، «ت»، «س»، «ف»، «ک»، «ل»، «ل». در معجم عبدالباقی، معمولاً پیشوندها در ستون مدخل آمده‌اند، ولی ناهماهنگ عمل شده است.

۲. تفکیک اسم‌های دارای «ال» از اسم‌های بدون «ال». براین اساس، مثلاً واژه‌های «مکنون» و «المکنون» در دو موضع جداگانه (اول واژه بدون «ال»، بعد واژه همراه با «ال») آورده شده‌اند:

مکنون: إِنْه لِقْرَانِ کَرِیمِ * فی کتابِ مَکْنُونِ، (واقعه، ۵۶/۷۷، ۷۸).

المکنون: وَحُورِ عَینِ * کَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ المَکْنُونِ، (واقعه، ۲۲/۲۳).

۳. تفکیک اسم‌ها براساس حرکت اعرابی آخر آن‌ها؛ براین اساس، موارد کاربرد کلماتی نظیر: «دین»، «دین»، و «دین» در ذیل سه مدخل جداگانه آمده‌اند (اول واژه دارای ضمه، بعد دارای فتحه و پس از آن، واژه دارای کسره)، هم چنان که اسم‌های دارای تنوین و اسم‌های بدون تنوین نیز از هم تفکیک شده‌اند؛ بنابراین مدخل «ذکر» و «ذکر» از مدخل «ذکر» و «ذکر» تفکیک شده و از این رو، هریک را باید در ذیل مدخل خاص خود جست‌وجو کرد.

۴. تفکیک فعل‌هایی که دارای حرکت اعرابی متفاوت‌اند؛ مثلاً: یَأْتِیکُمْ از یَأْتِیکُمْ ویَضْرِبُ از یَضْرِبُ.

۵. اعراب کامل؛ تمام حروف کلمات مدخل، اعم از حرف آخر و دیگر حروف کلمه دارای حرکت اختصاصی خود آن است، دقیقاً به همان شکلی که در قرآن به کار رفته است؛ براین اساس، مدخل‌هایی که در معجم عبدالباقی بعضاً دارای حرف‌های بدون اعراب بوده‌اند و یا حرف آخر آن‌ها دارای حرکت‌های اعرابی مشترک است اصلاح شده‌اند (با توجه به ویژگی دوّم و سوّم و چهارم).

۶. تصحیح غلط‌های املائی و افزودن مدخل‌هایی که در معجم عبدالباقی از قلم افتاده و پیش از این به برخی از آن‌ها اشاره شد.

۷. شناسایی واژه‌های دخیل و قرار دادن آن در جای اصلی خود و ارجاع به آن‌ها در مواضعی که عبدالباقی آن‌ها را به کار برده است. براین اساس، مثلاً موارد کاربرد واژه «داود» که در ذیل ریشه «د و د» (پس از کلمه «أدهی» از ریشه «دهی» و قبل از «تدور» از ریشه «د و ر») آمده است، در ذیل ریشه «دا و د» (قبل از کلمه «دأب») ذکر گردیده، ولی پس از کلمه «أدهی» به محل اصلی آن ارجاع داده شده است. در همه جای معجم، کلمات دخیل با علامت ستاره (*) مشخص گردیده است.

۸. به کارگیری شیوه ارجاع در موارد لازم؛ به منظور تسهیل در دست‌یابی به آیه مورد



نظر، در موارد متعددی، از شیوه ارجاع و از علامت «ـ» استفاده شده است. مهم ترین این موارد عبارت است از:

الف: در مواردی که در ریشه یک کلمه اختلاف نظر وجود داشته باشد، مانند کلمه «التراقی» که برحسب اختلافی که بین عالمان لغت وجود دارد، آن را از ریشه «رق ی»، «ت رق و» و «رق و» دانسته اند. از این رو، پس از ذکر کلمه یاد شده در ریشه «رق ی»، در ذیل ریشه های «رق و» و «ت رق و» به ریشه «رق ی» نیز ارجاع داده ایم.

ب: در مواردی که بین ریشه اصلی و درست یک کلمه با آن ریشه ای که در بدو امر به ذهن انسان تبادر پیدا می کند، تفاوت وجود داشته باشد، مانند واژه «پلتکم» که از ماده لات، پلیت، لیتا (مثل باع).

ج: در مواردی که عبدالباقی در ذکر ریشه کلمه ای به خطا رفته باشد مثل واژه های دخیل که پیش از این به آن اشاره کردیم.

د: در مواردی که در حرف اصلی یک کلمه، «قلب» صورت گرفته باشد، مثل واژه «اذکر» و «تدخرون» که هردو از باب افتعال و به ترتیب از ریشه «ذکر ر» و «ذخ ر» بوده و «ذ» و «ت» باب افتعال در آن ها تبدیل به «د» و سپس در هم ادغام شده اند؛ بنابراین، در ذیل ریشه «د ک ر» و «دخ ر» به موضع اصلی آن ها ارجاع داده شده است.

ه: در مواردی که در حروف اصلی یک کلمه «حذف» صورت گرفته باشد، مثل: دعاء (=دعائی) که بین آن و بین کلمه «دعاء» که دارای حرکت اعرابی جرّ است، تفاوت وجود دارد و باید در دو موضع مختلف و هر یک در جای خود ذکر شوند و به دیگری ارجاع داده شوند.

۹. ذکر ریشه کلمات: ریشه هر ماده و مشتقات آن به طور جداگانه و در ابتدای هر مجموعه از کلمات هم خانواده آمده است و این افزون بر آن چیزی است که در سرصفحه به ریشه اولین و آخرین کلمه اشاره می شود. در این رابطه، در مواردی که در بین عالمان لغت، نسبت به ریشه کلمه ای اختلاف نظر وجود داشته باشد، اصل را بر نظر مرحوم عبدالباقی گذارده و در موضع و یا مواضع دیگر، بدان ارجاع می دهیم. البته با وجود این، گریزی از آن نسبت که برای تسهیل و تسریع در دست یابی مراجعه کننده به آیه مورد نظر، همانند عبدالباقی، جدولی برای نشان دادن ریشه برخی از کلمات دشوار تنظیم شود.

ب: ویژگی های ستون آیه

مهم ترین ویژگی هایی که در ستون آیه رعایت شده به شرح زیر است:

۱. داشتن اعراب؛ آیات مورد نظر در این ویرایش برگرفته از فایلی است که با وسواس و دقت فراوان و به طور مکرر تصحیح شده و به تأیید کارشناسان دارالقرآن سازمان تبلیغات



اسلامی رسیده است و می‌توان گفت اغلاط آن در حدّ صفر است.
 ۲. سیاه بودن کلمه مورد نظر در متن آیه؛ به گونه‌ای که با یک چشم انداختن به نظر بیاید.

۳. کامل کردن بافت و سیاق آیه؛ به گونه‌ای که معنای کامل و محصلی از آن فهمیده شود و حتی الامکان انسان را از مراجعه به متن قرآن بی‌نیاز سازد. در این راستا یکایک آیات معجم عبدالباقی مورد بررسی قرار گرفت، و در آن حذف و اضافاتی صورت گرفته است. از این رو، گاهی ناگزیر به آوردن مقداری از آیه قبل و یا بعد شده‌ایم (و برای نشان دادن تعدّد آیه از علامت ستاره *) در بین دو آیه استفاده کرده‌ایم، هم چنان که گاه برای پرهیز از طولانی شدن آیه و افزایش حجم کتاب (به ویژه با توجه به داشتن اعراب کامل)، مقدار غیر لازم را حذف و از علامت نقطه چین (...) استفاده کرده‌ایم مثلاً: در ذیل مدخل «أَبَا»، «ندخلکم» و «مدخلاً» چنین آمده است:
 أَبَا: فَأَبْتُنَا فِيهَا حَبّاً... * وَفَاكِهِةً وَأَبَاً، (عس، ۲۷/۸۰ و ۳۱).

ندخلکم: إِنْ تَجْتَبُوا كِبَائِرَ مَا تَنْهَوْنَ عَنْهُ... وَنَدْخَلْكُمْ مَدْخَلًا كَرِيمًا، (نساء، ۳۱/۴).
 مَدْخَلًا: إِنْ تَجْتَبُوا كِبَائِرَ مَا تَنْهَوْنَ عَنْهُ... وَنَدْخَلْكُمْ مَدْخَلًا كَرِيمًا، (نساء، ۳۱).
 با کامل تر کردن بافت و سیاق آیه، در صدد بوده‌ایم تا حتی الامکان هدف دوّم را تأمین کنیم و یا دست کم بدان نزدیک شویم، یعنی کمک‌رسانی در امر جست‌وجوهای معنایی و به اصطلاح «موضوعی».

۴. در مواردی که دو مدخل پشت سرهم، از کلمات یک آیه باشند، برای پرهیز از تکرار و افزایش حجم کتاب، مقداری از آیه را در مقابل مدخل اوّل و ادامه آن بدون حذف و تکرار، در مقابل مدخل بعد ذکر کرده‌ایم تا بافت و سیاق آیه کامل باشد؛ برای نشان دادن این امر از علامت «=» در انتهای آیه اوّل استفاده کرده‌ایم.
 کار این ویرایش در دفتر پژوهش و نشر سهروردی در حال انجام است و هم اکنون مراحل پایانی خود را می‌گذرانند و به خواست خداوند ظرف چند ماه آینده منتشر و در اختیار علاقه‌مندان و قرآن‌پژوهان قرار خواهد گرفت.

۱. این در حالی است که تنبیه این دو واژه (الذّان، الذّین و هذان) در معجم آمده است.
۲. در المعجم الإحصائی، اثر دکتر محمود روحانی، ۱/ ۵۱، و نیز المعجم المفهرس لكشف آیات القرآن، اثر مهندس رضا کیان‌زاد، ص یازده، به موارد دیگری از دیگری از قلم افتادگی‌ها نیز اشاره شده که موارد یادشده در
- دو نسخه متفاوت از معجم که نزد این جانب موجود است، دیده می‌شود؛ شاید چاپ‌های مختلف معجم، اندکی با هم تفاوت داشته باشند.
۳. ر.ک: المعجم الإحصائی، ۱/ ۱۲.
۴. ر.ک: مغنی اللیب، ۱/ ۱۵۳، ۱۸۵ و ۲۵۶.